**Die Botschaft vom Kreuz Jesu Christi**



صليب به عنوان سمبل ايمان مسيحي و كليسا ميباشد. اين صليب بايد

بيانگر اين باشد كه عيسي ناصري بروي صليب رنج مرگ را تجربه كرده است( جمعه سياه). بعد از رستاخيز از مرگ او بارها در برابر شاگردانش خود را نمايان كرد. با آنان سخن گفت و غذا خورد و ... بعد از ٤٠ روز كه از رستاخيزش گذشت، او نزد پدر آسماني خود برگشت. عروج به آسمان را او پيشگويي كرده بود. **يوحنا١٦؛ ٢٨) " من از پدر به اين عالم آمده ام و اين جهان را ترك كرده و نزد پدر خواهم رفت. "**  
چرا عيسي ميبايست اين رنج را بروي صليب بكشد؟

جواب ظاهري به اين سؤال اين است كه، زيرا او فريسيان و كاهنان يهودي را با خود دشمن ساخته بود تا جايي كه قصد مرگ او را داشتند.  
و آنان مي خواستند به ديگران بگويند كه نقد مسيح نسبت به دين يهود درست نيست و مي خواستند او را به تهمت زني نسبت به كتاب تورات موسوي و پيامبران ديگر متهم كنند. و خيلي از يهوديان نيز از اين كه عيسي بر تاخ پادشاهي نبود از او مأيوس شدند. او با معجزاتش و كلام پربارش نويد نجات را براي همگان آورد و إعلام كرد كه او مسيح پسر خداست. و اين دليلي شد كه مذهبيون يهودي او را دستگير كرده و او را به مرگ محكوم كنند. و در آخر فرماندار رومي آن زمان پيلاطوس اين حكم را به اجرا درآورد و او را به صليب كشيد.  
  
دليل روحاني و تنها دليل به صليب كشاندن عيسي اين بود كه او مي خواست تمام انسانها را در همه زمانها و از همه قومها نجات دهد، گناهانشان را ببخشد و به آنان وعده نجات از مرگ و گناه و جهنم و عذاب خداوند و همچنين رستاخيز و حيات جاودان را بدهد.  
چرا مرگ عيسي بر روي صليب لازم بود؟  
هر انساني ميبايست در زندگي خود در مورد اعمال خود عادلانه حساب و كتاب كند، در مورد اعمال و رفتار و نيت ها و ايمان به خدا و همدردي نسبت به ديگران.  
"**آنچه براي خود مي پسندي براي ديگران نيز بپسند" و " تو بايد خداوند را از صميم قلب دوست بداري و اين محبت بايد برخواسته از تمام روح و وجود باشد. اين بزرگ ترين فرمانهاست و بعد از آن اينكه ديگران را همانند خود دوست بدار. در اين دو فرمان تمام فرامين و كتابهاي انبيا قرار دارد. "**  
چه كسي مي تواند اين ادعا را داشته باشد كه خدا هميشه در قلب او بوده و او تمام فرمانهاي خدا را رعايت كرده است و خدا را بيش از هر چيز دوست داشته و احترام نموده است؟  
  
كيست كه ادعا كند هيچ وقت بد نيت و با حسد و يا بدون محبت نسبت به ديگران رفتار نكرده است و يا درباره كسي غيبت نكرده است؟ براي اين است كه همه انسانها به عنوان گناهكار در برابر خدا قرار مي گيرند. و گناه انسان را به جدايي از خدا مي كشاند كه مجازات گناهكار همين جدايست. جدايي از خدا همان مرگ و تباهي و جهنم است.  
ولي چه كسي مي تواند براي اجراي عدالت گام در اين ورطه مجازات بگذارد؟  
عيسي، كسي كه پسر خداست و از مريم بأكره متولد شد و بدون هيچ گناهي تمامي فرمانهاي خدا را به طور كامل به انجام رساند. از روي تواضع و محبت گناهان انسانها را در تمام زمانها به دوش كشيد و مجازات مرگ را تحمل كرد و اين را براي ما و به جاي ما انجام داد. و بروي صليب رفت.  
  
عيسي خود را براي ما قرباني كرد. او خود را مانند يك بره قرباني كرده و خون و جان خود را براي ما داده است. وقتي يحيي تعميد دهنده عيسي را ديد فرمود**( يوحنا١؛٢٩): " بنگريد، اوست بره خدا كه گناه عالم را به دوش خواهد كشيد. "** و عيسي فرمود**:( متي ٢٠؛٢٨): " من آمده ام تا جان خود را بدهم تا بدين ترتيب خيلي ها نجات يابند. "** و ادامه ميدهد( **يوحنا ٥؛ ٢٤/ ١١؛ ٢٥): " هر كس كلام مرا بشنود و به آن ايمان آورد، او حيات جاودان را بدست آورده و در برابر دادگاه الهي محكوم نميشود، بلكه او بجاي مرگ به زندگي نؤيد داده خواهد شد. " و " من حيات و رستاخيزم و هر كس كه به من ايمان آورد جاودان خواهد شد گرچه او بميرد. "**

عيسي مسيح پسر خدا، ناجي و رهايي دهنده ماست و او ايمان ما و حيات ماست.  
هر كس كه اين رهايي را بدست آورد بايد تلاش كند تا طبق فرمانهاي نيك خداوند زندگي كند و شكر گذار خدا باشد. عيسي فرموده**(يوحنا١٤؛ ١٥): " مرا دوست بداريد، اينطور شما فرمانهاي خدا را نگاه خواهيد داشت. " با تمام اين احوال از انجايي كه زمينه گناه در قلب ما ميباشد( گناه إرثي) هر وقت به خطاي خود پي ببريم و به آن إقرار كنيم او نسبت به ما وفادار خواهد بود و ما را مي بخشد و ما را از گناهان پاك مي كند."** و ما مي بايست هميشه و هميشه از نو بميريم در برابر فرمانهاي خدا چون ما بارها از اين فرمانها منحرف شده و دچار خطا مي شويم و از اين رو بايد در قلب خود با اين تمايل به گناه بجنگيم. پولوس رسول نوشتند( **١.تيموتيان٦؛ ١٢): "جنگ نیکوی ایمان را بکن و بدست آور آن حیات جاودانی را که برای آن دعوت شدی و اعتراف نیکو کردی در حضور گواهان بسیار**."  
با نشان صليب در واقع مجازات گناه در برابر چشمان ما قرار ميگيرد و همزمان لطف و محبت خداوند نيز بر ما نمايان مي شود. او از طريق پسر خود عيسي مسيح ما را از شيطان، گناه و مرگ نجات داد.  
يوحنا ميگويد(**يوحنا٣؛ ١٦-١٥. ٣٦): " هر که به او ایمان آرد هلاک نگردد، بلکه حیات جاودانی یابد. زیرا خدا جهان را اینقدر محبّت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هر که بر او ایمان آورد، هلاک نگردد بلکه حیات جاودانی یابد. آنکه به پسر ایمان آورده باشد، حیات جاودانی دارد و آنکه به پسر ایمان نیاورد حیات را نخواهد دید، بلکه غضب خدا بر او می‌ماند." و پولوس رسول مي نويسد(١.قرنتيان١؛ ١٨): " زیرا ذکر صلیب برای هالکان حماقت است، لکن نزد ما که ناجیان هستیم قوّت خداست."**  
خداوند مي خواهد تمام بشريت را از طريق قرباني پسر خود نجات دهد و به حيات جاودان برساند. براي همين امر عيسي به شاگردان خود فرمودند**(متي٢٨؛ ٢٠-١٩/ مرقس١٦؛١٦): " برويد و تمام قومها را شاگردان من سازيد و آنان را به نام پدر و پسر و روح مقدس تعميد داده و به آنها هر چه را كه من به شما آموخته ام، بياموزيد. و " هر كه ايمان آورد و غسل شود نجات خواهد يافت و هر كس كه غسل تعميد نگيرد به لعنت دچار خواهد شد. "**خداوند به ما ايمان را هديه ميدهد و ما را در ايمان محكم ميدارد و به ما از اين طريق آرامش و شادي قلبي را اعطا مي كند و ما را در حيات جاودان سهيم مي نمايد.  
از حرف و عمل عيسي و از طريق رنج و مرگ او انجيل براي ما گزارشاتي داده است ( عهد جديد) كه شامل انجيل متي، مرقس، لوقا و يوحنا مي باشد.

دِتلِف لُوده